اخبار فرهنگی

هشدار جامعه باستان‌شناسی ایران به تخریب بافت تاریخی شیراز؛
سوداگران تاریخ و فرهنگ ایران را نشانه گرفته‌اند

انجمن جامعه باستان‌شناسی ایران درخصوص تخریب «بافت تاریخی شیراز» هشدار داد.

به گزارش ایلنا، جامعه باستان‌شناسی ایران در بیانیه‌ای درخصوص تخریب «بافت تاریخی شیراز» هشدار داد.

در بخشی از بیانیه این تشکل آمده است: بافت‌های تاریخی شهرهای ایران، از ارکان اساسی پیکرهٔ فرهنگی و تمدنی ایران و بهترین حوزه شکل‌یابی تحولات فرهنگی و تاریخی به شمار می‌آیند. این بافت‌ها و بقایای معماری و شهری که راوی تاریخ و فرهنگ و اجتماعی شدن ما هستند و می‌توانند در شکل‌دهی به آینده نیز نقش ویژه‌ای داشته باشند، بی‌دفاع و بی‌پناه، فراوان و پی در پی، در بی‌توجهی مدیران و مسئولان میراث فرهنگی کشور، امروزه با عناوینی چون «بافت‌های فرسوده و ناکارآمد» و زمینه «ناهنجاری‌های اجتماعی» و یا حتی عناوینی دینی و مقدس، بازیچه سوداگرانی شده‌اند که تنها در اندیشه انباشت ثروت خویش‌اند.

در بخش دیگری از این بیانیه با اشاره به این مطلب که مسئولان، آگاهانه و پرسش برانگیز از ثبت بافت گسترده و ارجمند تاریخی شیراز در فهرست آثار ملی سرباز می‌زنند، آمده است: از قضا طرح پیشنهادی برای ثبت آن سال‌ها پیش آماده شده است و ادارهٔ کل میراث استان فارس و معاونت میراث فرهنگی کشور (اداره کل ثبت و حریم آثار و حفظ و احیاء میراث معنوی و طبیعی) در دریافت کردن و وصول آن دوگانه‌سخن می‌گویند. خانه‌های تاریخی عموماً ثبت آثار ملی نشده و یا خانه‌های ثبتی به سادگی تخریب شده‌اند. آنچه امروزه روشن شده است، مدیران و متولیان میراث فرهنگی و آثار تاریخی و شهری شیراز در سالهای گذشته، دیده بر این آسیب‌ها و تخریب‌ها بسته‌اند.

این تشکل باستان‌شناسی در ادامه با اشاره به این موضوع که «گذر از وظایف سازمانی و قانونی و «ترک فعل» با پرهیز از ثبت مجموعهٔ بافت تاریخی شیراز در فهرست آثار ملی و هموار کردن راه تخریب و ویرانی این مجموعه یک مسئله جدی است و لازم است به آن رسیدگی شود»، نسبت به سرنوشت مشترک تخریب و سودایی شدن بازار بافت‌های تاریخی کشور هشدار داده است.

و در پایان بیانیه نیز آمده است: جامعه باستان‌شناسی کشور با تأکید بر ضرورت پرهیز از تخریب این مجموعه و حفاظت آن، بر لزوم ثبت سریع آن در فهرست میراث ملّی بر اساس دیدگاه‌های تخصصی و کارشناسی تأکید دارد. بررسی طرح و ارائه نظر کارشناسی می‌بایست توسط کارشناسان سالم و کاردان انجام پذیرد و در آن مدیرانی که رد و نشان بی‌مسئولیتی و سودجویی و همراهی آن‌ها در تخریب این آثار ارزشمند دیده می‌شود و همچنان در امور آن دخیل هستند، کنار گذاشته شود.

شهر کتاب اصفهان پلمب شد

صفحه اینستاگرام شهر کتاب اصفهان از پلمب این شعبه از فروشگاه‌های زنجیره‌ای شهر کتاب خبر داد و نوشت: «تا اطلاع ثانوی شهر کتاب اردیبهشت اصفهان تعطیل است، امیدواریم به زودی در خدمت شما عزیزان باشیم.» در این خبر به علت تعطیلی اشاره‌ای نشده است. اما کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش‌های خود دلیل پلمب شهر کتاب را حجاب و همسو با پلمب کافه‌ها، رستوران‌ها، مراکز خرید، مغازه‌ها و ... طی هفته‌های اخیر دانسته‌اند.

مسمومیت‌های زنجیره‌ای در مدارس دخترانه ادامه دارد
مسموم شدن ۷ دانش‌آموز در قم

صدا و سیما نوشت: شنیده‌ها از بدحال شدن ۷ دانش‌آموز در مدرسه دخترانه سلامت، خیابان ۱۹ دی قم حکایت دارد. بنابه این گزارش، این دانش‌آموزان دچار علائمی مانند سردرد و سرگیجه شده‌اند. گفته شده پیش از بدحال شدن دانش‌آموزان، بویی شبیه لاستیک سوخته در فضای مدرسه استشمام شده است. در روزهای گذشته و در آغاز سال جدید در نقده، تبریز و اصفهان موارد مشابه بروز پیدا کرده است.

پیش‌بینی تئاتر ۱۴۰۲

رواج کمدی‌ها در سایه نبود دیگر جریان‌های تئاتری

احسان زیورعالم

پاییز سال گذشته نقطه عطفی برای تئاتر ایران بود: تعطیلی کامل. تئاتری‌ها در سال‌های گذشته با تعطیلات طویل‌المدت بیگانه نبودند. رویدادهای متعدد سال ۹۸ و البته فراگیری دردناک کرونا، آن هم در یک بازه پیوسته زمانی، ضربه‌ای بر بازار تئاتر ایران بود. تئاتر ایران طی دو دهه اخیر که با گسترش نگرش‌های فرهنگی موفق به خلق گروه‌های مختلف مخاطب شده بود، حالا با یک وقفه عظیم روبه‌رو شده بود. تئاتر همانند سینما نبود تا بتواند به واسطه پلتفرم‌های دیجیتال به حیات خود ادامه دهد. حتی ورود تئاتر در قالب فیلم تئاتر در پلتفرم‌ها با اعتراض برخی اصولگرایان حوزه تئاتر روبه‌رو شد.

آنان معتقد بودند تئاتر هنر زنده است و انتشار فیلم ادای دینی به تئاتر نخواهد بود. چه خوب، چه بد تئاتر وارد پلتفرم‌ها شد و البته نشان داد توانایی اقناع ذائقه مخاطب پلتفرم‌ها را ندارد. دنیای تئاتر جای دیگری بود. اگرچه موفقیت نمایش «جوجه تیغی» در یکی از پلتفرم‌ها بارقه‌هایی از امید بود؛ اما این موفقیت معطوف به شهرت بازیگر نمایش و کمدی بودن نمایش داشت. «کمدی» کلیدواژه مهمی است که در ادامه بدان باز خواهم گشت.

اتفاقات پاییز و زمستان در ایران منجر به نوعی اعتصاب درونی در تئاتر ایران شد. گروه‌های تئاتری از اجرا انصراف دادند و سالن‌ها وارد یک رکود بی‌سابقه شدند. برخی سالن‌ها موفق می‌شوند گروه‌هایی را مجاب به اجرا کنند؛ اما جز اجرای گلاب آدینه در پردیس شهرزاد همه چیز به سوی نوعی قهر گروه‌های تئاتری پیش رفت. در زمان نوشتن این واژگان تئاتر شهر تعطیل است و برخلاف هر سال که واجد برنامه‌های سال نو بوده، قرار است ۲۷ فروردین با حضور هنرمندانی ناشناخته، آن هم با سه اجرا بازگشایی شود. تئاتر شهر به عنوان مهمترین مکان تئاتری ایران دستش از نخیل هنر کوتاه است. پردیس شهرزاد نیز پیش از عید خبر از تعطیلی داد و در ایرانشهر هم خبری خاصی نیست. نمایش‌هایی روی صحنه می‌رود که حتی سازندگانشان تبلیغ نمی‌کنند. گویی گروه‌ها زیر بار اجرا می‌روند؛ اما میلی به بیان ندارند. در این وضعیت تئاتر از سرتیتر اخبار خارج شده است. سایت‌های خبری میلی به تحلیل تئاتر ندارند و این هنر به یک خواب زمستانی فرورفته است. البته در زیر پوست شهر اتفاقاتی رخ می‌دهد که در اینجا فرصت بیانش نیست.

با این حال تئاتر مصداق مهمی در بازنمایی وضعیت فرهنگی کشور است و تاریخ نشان داده است در بدترین روزهای این کشور، دستگاه‌های فرهنگی به هر ترتیبی خواهان وجود تئاتر بوده‌اند. برای مثال در حالی که نمایش «هفت خوان اسفندیار» به کارگردانی حسین پارسایی و تهیه‌کنندگی مؤسسه اوج سال گذشته با شروع تحولات و اعتراضات تعطیل شد و گروه بازیگری نمایش اقدام به ترک پروژه کردند، حالا تبلیغات تازه‌ای از اجرا منتشر شده است که نشان می‌دهد مؤسسه اوج مصمم به اجرای آن به هر نحوی است. ترکیب بازیگران نمایش از چهره‌های نام آشنای گیشه پسند به سمت بازیگرانی سوق یافته است که در بدنه عمومی شناخته شده نیستند و به نظر می‌رسد با همکاری دونهاد دیگر حکومتی، یعنی بنیاد رودکی و مؤسسه نور تابان متعلق به بنیاد مستضعفان قرار است این نمایش با حمایتی حکومتی اجرا شود. این بدان معناست که نهادهای فرهنگی در غیاب بخش مهمی از هنرمندان تئاتر، آمادگی برای نمایش‌های عظیم و به قول معروف بیگ پرداکشن را دارند. نمایش‌هایی که قرار است تصویری خیره‌کننده در برابر تبلیغات جریان اپوزیسیون بیافریند و شرایط عمومی کشور و توانایی‌ها را چشم‌نواز جلوه دهند.

اختصاص پردیس تئاتر باغ کتاب به تئاتر آزاد نشانگر تغییرات مهمی است. یک آنکه سالن‌هایی که متعلق به دستگاه‌های دولتی و حکومتی هستند، حتی آنهایی که در بهره‌برداری به بخش خصوصی سپرده شده‌است، آمادگی کافی برای حضور تئاتر آزاد دارند؛ چرا که شرایط مالی ایجاب می‌کند که بسترهای گیشه‌پسندی پدید آید

اما این تمام ماجرا نیست. اگر سامانه‌های فروش بلیت را بررسی کنید متوجه خواهید شد انبوهی از نمایش‌های کمدی شبانه موسوم به «تئاتر آزاد» در این سامانه‌ها عرضه شده‌اند. البته تئاتر آزادی‌ها پیشتر نیز از تعطیلی تئاترهایشان در فصول سرد سال گلایه‌مند شده بودند. وضعیت تئاترهای آزاد به نحوی است که حتی پردیس تئاتر باغ کتاب نیز اقدام به اختصاص سالن‌های خود به این گروه‌ها کرده است. نکته قابل توجه آن است که همواره مرز مشخصی میان نمایش‌های آزاد و آثار موسوم به جریان هنری وجود داشت. مکان‌مند شدن سالن‌ها با داشتن برچسب‌های مشخص حتی موجب تفکیک مخاطبان نیز شده بود. نمایش‌های آزاد البته ناجیان تعداد کثیری از سالن‌های سینما در سال‌های گذشته بوده‌اند و حجم زیاد مخاطبانشان به صورت کمدی‌های سَبُک در سینما نمود می‌داد؛ اما اختصاص پردیس تئاتر باغ کتاب به تئاتر آزاد نشانگر تغییرات مهمی است. یک آنکه سالن‌هایی که متعلق به دستگاه‌های دولتی و حکومتی هستند، حتی آنهایی که در بهره‌برداری به بخش خصوصی سپرده شده‌است، آمادگی کافی برای حضور تئاتر آزاد دارند؛ چرا که شرایط مالی ایجاب می‌کند که بسترهای گیشه‌پسندی پدید آید. چرخه مالی فرهنگ و هنر در شش ماه اخیر مختل بوده است و تئاترهای آزاد مفرهای کوتاه‌مدت خوبی هم برای خلق پول و هم خلق مخاطب به حساب می‌آیند.

چرخه مالی فرهنگ و هنر در شش ماه اخیر مختل بوده است و تئاترهای آزاد مفرهای کوتاه‌مدت خوبی هم برای خلق پول و هم خلق مخاطب به حساب می‌آیند

اما وجه دیگرش آن است که دستگاه فرهنگی کشور برای تغییر شرایط از وضعیت انتقادی به وضعیت عادی نیازمند کمدی است، کمدی‌هایی که قرار است برای دو ساعت مخاطب را بخنداند و او را از فضای بیرونی دور کند. مخاطب نیز در شرایط امروز به این مهم تن می‌دهد. افزایش خشونت‌های اجتماعی و تنش‌های بسیار در جامعه و البته تلاطمات اقتصادی، به لحاظ روانی می‌طلبد که برای دو ساعت روی صندلی تئاتر فرورفت و به چیزی جز زیستن و خندیدن فکر نکرد. این رویداد پس از وقایع ۸۸ نیز رخ داده بود و محصول آن افزایش خیره‌کننده نوعی از کمدی در سینما موسوم به «زیر شونه تخم‌مرغی» شده بود.

اگرچه مبانی جامعه‌شناختی گسترش کمدی در میانه بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی را توجیه می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد دستگاه‌های متولی نیز از افزایش کمدی‌ها استقبال می‌کنند. اجرای نمایش‌های کمدی در هتل‌های ترکیه یا سالن‌های کانادا توسط هنرمندان داخلی در فضاهایی که بی‌شک برای دستگاه‌های داخلی نامتعارف تعریف می‌شود، نشان می‌دهد مخالفتی برای حضور هنرمندان در این فضاها وجود ندارد. کما اینکه در سال‌های پس از ۸۸ سالن‌های شهرداری تهران و حوزه هنری نیز در اختیار نمایش‌های کمدی قرار گرفته بود. از این رو می‌توان حدس زد به‌زودی فضای سالن‌های کشور با انواع و اقسام کمدی پر خواهد شد و از دل این کمدی‌ها فارغ از محتوازدایی، استعاره‌سازی‌های تازه‌ای رخ خواهد داد. کمدی اگرچه توانمند در تقلیل دادن وضعیت است؛ اما جریان قدرتمندی نیز در تولید فرهنگ عامه دارد. از ترانه‌های درون نمایش‌ها تا تک کلام‌های شخصیت‌ها، می‌توان پیش‌بینی کرد به زودی با اشکال زبانی تازه‌ای در جامعه روبه‌رو خواهیم بود، در سایه سرد عدم‌حضور دیگر جریان‌های تئاتری.

یادبود

پایان تلخ قصه‌گوی سینمای ایران؛

کیومرث پوراحمد به زندگی خود پایان داد

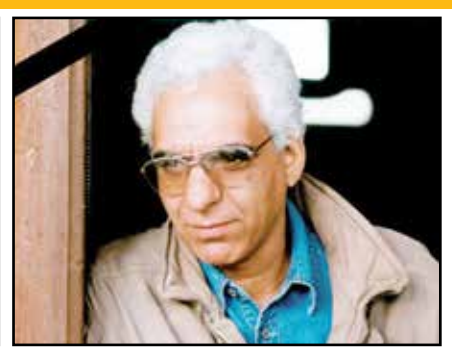

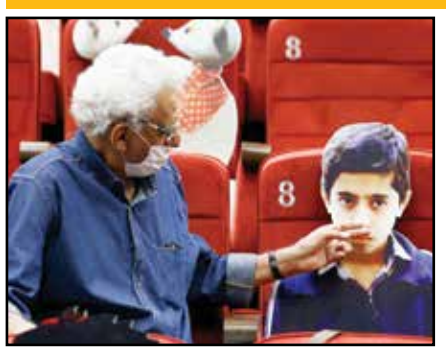

کیومرث پوراحمد در ۷۴ سالگی با مرگی خودخواسته از دنیا رفت.

این فیلمساز متولد سال ۱۳۲۸ در نجف آباد استان اصفهان سال گذشته فیلم «پرونده باز است» را ساخت که در جشنواره فجر شرکت داشت.

«تیغ و ترمه»، «کفشهایم کو؟»، «۵۰ قدم آخر»، «اتوبوس شب»، «نوک برج»، «گل یخ»، «خواهران غریب»، «بخاطر هانیه» و «بی‌بی چلچله» از فیلم‌های سینمایی این کارگردان هستند. او در تلویزیون هم سریال‌های ماندگار «قصه‌های مجید» و «سرنخ» را ساخته بود.

پوراحمد جدا از فعالیت‌های سینمایی، در عالم مطبوعات نیز دستی بر قلم داشت و سال‌های بسیاری، به امر نقدنویسی می‌پرداخت. در واقع او فعالیت خود را با نقدنویسی به خصوص در ماهنامه فیلم آغاز کرد و از ۱۳۵۳ با دستیاری در مجموعه تلویزیونی آتش بدون دود وارد سینما شد.

فیلم شب یلدا الهام گرفته از زندگی خود اوست. پوراحمد شرح حال خود را در کتابی تحت عنوان «کودکی نیمه‌تمام» منتشر کرده است. مادرش، پروین دخت یزدانیان با بازی در فیلم‌های او، کار بازیگری را آغاز کرد و آثار برجسته‌ای با بازی او به ثبت رسید. دخترش، مریم پوراحمد هم در فیلم شب یلدا به ایفای نقش پرداخته است. فیلم مستندی درباره زندگی پوراحمد به نام (درباره کیومرث پوراحمد) به کارگردانی اردلان عاشوری در سال ۸۳ ساخته شد. این فیلم در بخش مستندهای بلند بیست و سومین جشنواره فجر حضور داشت. پوراحمد در سال ۱۳۸۵ فیلم اتوبوس شب را ساخت که مورد تحسین منتقدان و عموم قرار گرفت.

یک خودکشی غیرقابل‌باور

یکی از نزدیکان این کارگردان بنام، علت مرگ را خودکشی در ویلایش در بندر انزلی اعلام کرد.

گفته می‌شود او متنی ۸ صفحه‌ای از خود به جا گذاشته و در آن از دلایل مرگ خودخواسته‌اش نوشته است.

طبق تماس ایسنا با منزل این هنرمند، اعلام شد که جزئیات دقیق در اختیار نیست، اما این خبر ظاهرا درست است که کیومرث پوراحمد کارگردان سینمای ایران چهارشنبه، ۱۶ فروردین ماه از دنیا رفته است.

مجله فیلم به سردبیری هوشنگ گلمکانی دیروز خبر داد که کیومرث پوراحمد از سرافسردگی و ناامیدی بی‌آیندگی و بیهودگی خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داده است؛ همین قدر سهمگین و باورنکردنی، وحشتناک و تکان‌دهنده.

زاوش محمدی، دبیر سرویس چندرسانه‌ای خبر آنلاین نیز در توئیتی نوشت: «گفته می‌شود کیومرث پوراحمد در شهرک ساحلی بندر انزلی خودش را حلق آویز کرد و درگذشت.»

همچنین دادستان گیلان با تأیید خودکشی این کارگردان خاطره‌ساز، گفت: بررسی‌های اولیه بازپرس حکایت از خودکشی کیومرث پوراحمد دارد.

به گزارش ایسنا، سید مهدی فلاح میری با تایید خبر فوت کیومرث پوراحمد گفت: به محض دریافت گزارش، بازپرس ویژه قتل در محل حاضر شد و با بررسی‌های اولیه نظر بر خودکشی این کارگردان سینما داشت که واکاوی جزئیات، مستلزم رسیدگی دقیق قضایی است.

وی افزود: کیومرث پوراحمد ساعت یک بامداد روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۱/۱۶ در یکی از واحدهای دهکده ساحلی انزلی فوت کرده است.

دادستان مرکز استان در پایان گفت: در حال حاضر جسد به پزشکی قانونی انتقال داده شد تا علت تامه مرگ بررسی و خبر تکمیلی متعاقبا اطلاع‌رسانی شود.

به یاد خالق قصه‌های مجید

نام زنده‌یاد کیومرث پوراحمد با فیلم «قصه‌های مجید» در حافظهٔ بسیاری از ایرانیان ماندگار شده است.

احمدزیدآبادی در یادداشتی نوشت: «او فیلم قصه‌های مجید را که اقتباسی از داستان‌های همشهری کرام و کرمانی من، هوشنگ مرادی کرمانی بود، در محیط اجتماعی اصفهان با مهارت تمام کارگردانی کرد.

یادش گرامی و روحش شاد باد. خودکشی هنرمندی در سن و سطح او آژیر خطری برای جامعهٔ ماست. نمی‌دانم علت خودکشی او چه بوده است، اما سایهٔ نحس افسردگی و بیزاری از زندگی چنان بر سرِ جامعهٔ ایرانی سنگین شده است که اگر راهی برای خلق امید در تمام سطوح سیاسی و اجتماعی کشور باز نشود، هستی ملی ما به مخاطره خواهد افتاد. در شرایط کنونی بدتر از نومیدی، عشق و علاقه به تولید نومیدی در تمام سطوح است! من اگر در این کانال بنویسم «عجب روز پاکیزه و زیبایی»، در کمترین سطح دیده می‌شود و یا اصطلاحاً «ویو» می‌خورد، اما اگر بنویسم «عجب روزِ آلوده و زشت و پلشتی»، بسیار بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ چرا؟»

مهرداد خدیر نیز در عصر ایران با اشاره به بهاریه‌های زیبا و تأثیرگذار او در مجله فیلم، نوشت: «مرگ در ۱۶ فروردین ۱۴۰۲ خورشیدی در دهکدهٔ ساحلی (بندر انزلی) یعنی بهاریه‌نویس در بهاری‌ترین روز بهار از دنیا رفته است و شگفتا که کیومرث پوراحمد چگونه به شعر شاملو توجه نشان نداد که سُروده بود: بودن به از نبودن، خاصه در بهار...»

روحش شاد